

مقدمه

با توجه به اینکه نظام آموزش و پرورش رسمی وظیفه‌ای بسیار مهم در گسترش و اشاعه ارزشهای فرهنگی دارد، دقت در معنای فرهنگ و ارزشهای آن لازم است. آموزش و پرورش نهادی اجتماعی و در ارتباط و پیوند دائمی با آن است. بنابراین الگوی تعلیم و تربیت در هر جامعه باید متناسب با فرهنگ همان جامعه باشد و نمی‌توان از الگوهای دیگر جوامع به صورت تقلیدی در این زمینه استفاده کرد.

فرزند انسان از روزی که متولد می‌شود باید برای عضویت در اجتماع آماده شود. این کار مهم به توسط نظام تعلیم و تربیت هر کشور صورت می‌پذیرد. بنابراین آموزش و پرورش در معنای بسیار وسیعی (از کودکی تا جوانی) یک وسیله نیرومند برای تشکیل جامعه مطلوب است.

تعلیم و تربیت را نمی‌توان یک امر فردی و شخصی دانست. در هر فرد دو وجود غیر قابل افتراق موجود است. یکی وجود فردی که مخصوص زندگی شخصی است و دیگری مجموعه افکار، احساسات و عاداتی که از اجتماع نشأت یافته است (مانند معتقدات دینی و اخلاقی، سنن ملی و حرفه‌ای و عقاید جمعی) که این مجموعه را وجود اجتماعی می‌نامند و هدف مهم تربیت، حصول کامل همین وجود در افراد است.



ارزشهای اخلاقی

در برنامه‌های

مدارس

مستخدم)، برنامه‌های مختلف درسی و آموزشی با روشهای گوناگون تدریس و نیز قوانین و مقررات است که هر کدام تأثیرات قابل توجهی را روی شخصیت کلی فرد و بخصوص ارزشهای اخلاقی وی دارد. بنابراین نهاد مدرسه با تحول جنبه‌های مختلف شخصیت فرد سروکار دارد و در این میان از نظر اجتماعی و اخلاقی بیشترین تأثیر را بر او به جای می‌گذارد.

البته دانش‌آموز ضمن حضور در مدرسه، در محیطهای دیگر نیز حاضر می‌شود و احتمال مطرح شدن ارزشها و نگرشهای متفاوت اخلاقی برای وی بسیار است. اما در مجموع می‌توان گفت که مدرسه و نظام رسمی آموزش و پرورش اگر بر اساس برنامه‌ریزی صحیح و بااستفاده از عوامل و کارگزاران متخصص و متعهد در زمینه آموزش ارزشهای اخلاقی عمل کند، می‌تواند به عنوان قوی‌ترین عامل در شکل‌دهی شخصیت اجتماعی و اخلاقی افراد به شمار آید.

در این خصوص لازم است اشاره‌ای به معنای اخلاق و ارزشهای اخلاقی داشته باشیم و به صورت هر چند محدود دیدگاه چند تن از مریبان تربیت را تحلیل کنیم و سپس نقش مهمترین عواملی را که در اجرای برنامه‌های اخلاقی مدارس مؤثر هستند، یادآور شویم.

بررسی مفهوم اخلاق و ارتباط آن با

تعلیم و تربیت

برای پرورش فرد در زمینه‌های مختلف جسمی، فکری و اجتماعی، صحت و سلامت

با نگاهی عمیق‌تر به این موضوع، متوجه می‌شویم که جریان زندگی اجتماعی انسان سراسر تعلیم و تربیت است. به این صورت که یک نوع آن پرورش غیر مستقیم است که همان تأثیراتی است که افراد از محیط اجتماع می‌پذیرند. یعنی در واقع مجموع کیفیات و احوال طبیعی و عوامل اجتماعی است که انسان تحت تسلط آن زیست می‌کند و رشد می‌یابد. از قبیل: محله زندگی، مسجد، مجالس دوستانه، رسانه‌های گروهی و مقررات اجتماعی و سیاسی و... و نوع دیگر آن تربیت مستقیم است که از خانواده شروع و در مدرسه تکمیل می‌شود.

بنابراین تعلیم و تربیت از یک جهت امری عمومی است، چراکه با همه افراد اجتماع در ارتباط است و از جهت دیگر یک امر تخصصی است به دلیل آنکه همه افراد جامعه قادر به انجام و جهت‌دهی آن نیستند. یعنی آموزش و پرورش از آن جهت که مورد نیاز همه مردم است یک امر عمومی به شمار می‌رود و از آن لحاظ که همه مردم نمی‌توانند مستقیماً در فرایند آن دخالت کنند، یک امر خصوصی (حرفه‌ای و تخصصی) است.

مدرسه در میان نهادهای تعلیم و تربیت جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع مدرسه بعد از خانواده مهم‌ترین عامل در پرورش افراد است. در حدود سن هفت‌سالگی جریان تربیت مستقیم افراد در مدرسه آغاز می‌شود و تا دوران جوانی ادامه می‌یابد و باید در این مدت دانش‌آموزان در جنبه‌های مختلف جسمانی، عقلانی، اخلاقی، هنری و... پرورش پیدا کنند. مدرسه شامل عناصر مختلفی مثل کارکنان اداری و آموزشی (مدیر، معلم، مربی و

اخلاقی او ضروری است؛ چرا که ساختن عالم یا متفکر تهذیب نیافته، نتیجه‌ای جز انحراف از اهداف مطلوب انسانی در پی ندارد. توجه به اعمال کسانی که بدون تزکیه نفس و پرورش اخلاقی وارد اجتماع می‌شوند، این مسأله را به ما نشان می‌دهد که علم در خدمت امیال شخصی و اهداف سازنده اجتماعی تحت الشعاع تمایلات این افراد قرار می‌گیرد.

بنابراین نظام آموزش و پرورش هر جامعه باید با دیدی ژرف و عمیق به این امر مهم بنگرد و آموزشهای موجود در مدارس بایستی در ارتباط نزدیک با تعلیم و تربیت اخلاقی قرار داشته باشد.

در واقع برای شکل‌دهی به شخصیت انسان هیچ مکانی بهتر از مدرسه و محیط آموزش و پرورش نیست. آموزش اخلاقی وظیفه مدارس است و چون مدارس از جامعه جدایی‌ناپذیر هستند و جزئی از آن به شمار می‌آیند باید ترتیبی اتخاذ شود که آموزشهای اخلاقی در برنامه‌های مدارس گنجانده شود.

تربیت اخلاقی جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزش و پرورش دارد و پیشوایان دینی جامعه اسلامی ما همواره در پی اثبات اهمیت مکارم اخلاقی در تعالی معنوی و سعادت واقعی انسان هستند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام می‌فرماید: "انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق": همانا به پیامبری مبعوث شدم تا اخلاق کریمه را به انما برسانم.

تربیت اخلاقی عبارت است از برانگیختن، بیدارکردن و تقویت صفات و فضایل انسانی و جلوگیری از رشد صفات ناپسند و رذیله‌ای که مایه‌های انحراف از حالات انسانی را فراهم می‌کند.

کلمه اخلاق جمع خلق است. خلق عبارت است از صفت درونی‌یی که در هر انسانی وجود دارد و منشأ کار انسان می‌شود و بر دو قسم است: خوب یا حسنه و بد یا سیئه. اخلاق نیکو در مکتب اسلام همان ملکه نفسانی است که فرد را به آسانی به انجام کارهای نیک و دوری از اعمال زشت وای می‌دارد.

نظام اخلاقی در اسلام مبتنی بر شناخت طبیعت و فطرت انسانی است. البته منظور این نیست که اگر انسان طبعاً خواستار بی‌قید و شرط کامیابی و تحصیل لذت است، پس به دنبال هر لذتی برود، بلکه مقصود آن است که اخلاق برای رسیدن به هدف خود که سعادت و کمال انسانی است باید از بسیاری از میله‌ها جلوگیری کند و آنها را تحت نظارت خود درآورد. بنابراین نظام اخلاقی ضمن در نظر داشتن طبیعت و فطرت انسانی باید توجه به سوی کمال و خیر واقعی انسان داشته باشد و به کمک عقل و شرع، امیال و شهوات را تحت نظم و اداره و تدبیر درآورد و در حد اعتدال نگه دارد.

در مورد رابطه اخلاق و تعلیم و تربیت این نکته اهمیت دارد که پرورش اخلاقی نتیجه عالیّه تعلیم و تربیت است و بدون تربیت رسیدن به فضایل اخلاقی امکان ندارد و سعادت حقیقی (رسیدن به هر نوع کمال ممکن که انسان شایستگی وصول به آن را دارد) نیز جز از طریق تربیت صحیح اخلاقی ممکن نیست.

در این مورد منظور این نیست که تنها در کنار تدریس رشته‌های مختلف درسی، مسائل اخلاقی هم بیان شده، آگاهی‌هایی از اصول اخلاقی به افراد داده شود، بلکه تربیت اخلاقی باید به گونه‌ای باشد که مستقیماً بر رفتار و اصلاح آن تأثیر بگذارد.



مدارس در ارتباط با جامعه است و در واقع مدرسه تحقق‌بخش آرمانهایی است که اجتماع در خود دارد.

"امانوئل کانت" نیز در مورد تربیت اخلاقی می‌گوید: "بچه‌ها باید در معرض نوعی قانون ضرورت قرار بگیرند. با این همه این قانون باید کلی باشد. قانونی باشد که رعایتش همیشه و همه‌جا، بویژه در مدارس لازم است." این بدان معناست که اصول حاکم بر زندگی و نیز مدرسه با هم وحدت و یگانگی دارند و هرگز از یکدیگر جدا نیستند.

کانت تشکیل شخصیت را نخستین قدم در مورد تربیت اخلاقی می‌داند و شکل‌گیری شخصیت را آمادگی برای عمل بر طبق "اصول کلی" معنا می‌کند و اعتقاد دارد که در محیط مدرسه باید مراقبت کنیم که کودک به عمل - کردن بر طبق اصول کلی خوب بگردد و دستخوش محرکهای متغیر زودگذر نشود. یعنی اگر مثلاً

"جان دیوئی" در این زمینه می‌گوید: آنچه به عقیده ما در آموزش اخلاقی و اهداف اخلاقی مورد نظر در مدارس اهمیت دارد، توجه به ایجاد تصورات اخلاقی در کودکان است، نه صرفاً "ایجاد آگاهی‌هایی درباره اصول اخلاقی". دیوئی مسأله را این طور تحلیل می‌کند که اگر در محیط مدرسه تنها به ایجاد آگاهی درباره اصول اخلاقی بسنده شود، جریانی بی‌تحرك و بدون اثر بخشی در رفتار دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. بنابراین مدارس نباید صرفاً به آموزش اخلاقی بپردازند، بلکه در کنار آن بایستی تصور اخلاقی را در کودکان به وجود آورند.

مسأله دیگر در این زمینه آن است که اصول اخلاقی حاکم بر زندگی در مدارس، باید با اصول اخلاقی حاکم بر زندگی در خارج از مدرسه هماهنگ باشد؛ زیرا یک فرد نمی‌تواند رفتارهای خود را براساس دوگونه اصول مختلف تنظیم کند. بنابراین مسؤلیت اخلاقی

احساسی مربوط به اطاعت سطحی و خارجی می‌داند. در این صورت فرد به گونه‌ای پرورش می‌یابد که خود را مجبور می‌بیند از دستورهای والدین یا افراد مافوق و در نهایت قوانین حاکم اطاعت کند. این‌گونه احساس تکلیف مضراتی در پی دارد. در تربیت اخلاقی آنچه مهم است اینکه مسأله قبول، باطنی و عمیق است، یعنی احساسی که در اثر "احترام دو جانبه" (نه یک جانبه و یک طرفه) به وجود می‌آید.

احترام متقابل دور از هر نوع اقتدار و خود رأیی در میان افراد برقرار می‌شود. این احترام نیز ترکیبی از محبت و ترس است، ولی



کودکی یک کار غیر اخلاقی (مثل دروغ گفتن) را انجام داد، باید با بی‌اعتنایی روبرو شود و به وی گوشزد گردد که از این پس کسی حرفش را باور نمی‌کند، نه آنکه به یک تنبیه در آن لحظه بسنده کنیم و یا برعکس به خاطر رفتار پسندیده‌ای که از وی مشاهده شد به او پاداش بدهیم.

بنابراین باید از ابتدای ورود به مدرسه تصویری از درست و نادرست به ذهن بچه‌ها القاء شود و بخصوص بر مسأله کلی بودن و عام و فراگیر بودن اصول اخلاقی تأکید گردد، تا آنکه وقتی کودک وارد زندگی اجتماعی شود، بتواند کنترل رفتارهای خود را در دست داشته باشد و تنها به خاطر تنبیه و تشویق اقدام به انجام عملی ننماید، بلکه خود، تشخیص دهنده راه درست و نادرست در زندگی باشد.

"ژان پیازه" نیز در این زمینه اعتقاد دارد که اگر مدرسه قصد پرورش افرادی با وجدان و اخلاقی را دارد، تنها توسل به اقتدار معلم و درسهای اخلاقی کافی نخواهد بود، بلکه یک زندگی اجتماعی بین خود شاگردان یعنی یک "خود رهبری" (SEIF GOVERNMENT) می‌تواند شخصیت‌هایی بار آورد که در طول زندگی بر رفتارهای خود حاکم باشند.

پیاژه سه نوع احساس یا تمایل عاطفی را در پی‌ریزی ذهنی کودک مؤثر می‌داند:

- ۱- نیاز به دوست داشتن
- ۲- احساس ترس نسبت به بزرگتر و قویتر از خود
- ۳- احساس مختلط مرکب از محبت و ترس در کودک

پیاژه انجام قواعد و دستورهای اخلاقی را که از روی ترس یا محبت و یا هر دو باشد

پسندیده اخلاقی تلاش می‌شود، باید امکان انجام آن رفتارها در زندگی اجتماعی نیز وجود داشته باشد؛ یعنی نباید بیگانگی و عدم هماهنگی در این بین موجود باشد. برنامه‌های اخلاقی مدارس باید طوری باشد که از یک طرف رفتارهای صحیح را به دانش‌آموزان بیاموزد و از طرف دیگر رفتارهای ناصحیح را اصلاح کند.

نقش مهم و مؤثر مدرسه در تربیت اخلاقی

همان‌گونه که اشاره شد مدارس می‌توانند امکان تجربه‌های اجتماعی و اخلاقی وسیعی را برای بچه‌ها فراهم آورند و همانند والدین، الگو و نمونه رفتار اخلاقی را ارائه دهند.

دقت در عوامل مختلفی که در محیط مدرسه بر شاگردان تأثیر می‌گذارند ما را متوجه چند عامل مهم در زمینه تربیت اخلاقی و اجتماعی می‌کند. این عوامل عبارتند از: قوانین انضباطی و یا جو حاکم بر روابط افراد در مدرسه، کتابهای درسی و یا به عبارت دیگر متونی که به نحوی مسائل و اصول اخلاقی و اجتماعی را مطرح و تحلیل می‌کنند، معلمان که عامل نیرومندی برای این جنبه از تربیت بچه‌ها به شمار می‌آیند، مربیان تربیتی که مسؤول انجام برنامه‌های غیر درسی و اخلاقی دانش‌آموزان هستند و انجمنهای اولیاء و مربیان که در قالب مسؤولیتهای این عوامل و افراد، می‌توان بسیاری از برنامه‌های مفید را اجرا کرد. حال به بررسی مختصر هر یک از عوامل یاد شده می‌پردازیم.

این ترس در حقیقت، ترس از تنزل و انحطاط در نظر هم صحبت است. چنین احترامی "دیگر پیروی" را که از مشخصات احترام یک جانبه است از میدان می‌رانند و "خود پیروی" را جانشین آن می‌کنند. بدین ترتیب مشخص می‌شود که افرادی که بر اساس احترام متقابل در خود احساس تکلیف می‌کنند، در تهیه فاعده یا دستوری که آنها را مکلف می‌کند، شرکت می‌کنند و بنابراین قواعد قلبی و مهیا برکسی تحمیل نمی‌شود.

در محیط اجتماعی مدرسه نیز افراد باید بدین شکل در وضع قوانین و مقررات دخالت داشته باشند و به یک نوع الزام درونی دست یابند. توجه به این نکات ظریف از وظایف مسؤولان مدارس است، زیرا در شرایطی که کودک مطیع بی‌چون و چرای محیط خارجی پرورده می‌شود، فقط در صورت تنبیه و مجازات از انجام اعمال غیر اخلاقی اجتناب می‌ورزد. بنابراین در اجتماع مدرسه باید از طریق ایجاد رابطه متقابل به کودک این امکان را بدهیم که خود شخصاً به ساختن لوازم ذهنی خود بطور عمیق و واقعی بپردازد.

برنامه‌ریزی مدارس در زمینه تربیت اخلاقی باید به برقراری ارتباط بین کودک و اجتماع توجه لازم را مبذول دارد. چراکه اگر مدارس از زندگی اجتماعی جدا شوند، در آن صورت نمی‌توان برای آنها هدف اخلاقی و روش اخلاقی متصور شد.

مدارس برای آنکه بتوانند افراد را برای زندگی در اجتماع آماده کنند باید شرایط واقعی زندگی اجتماعی را هم در درون خود و هم در بیرون از خود در نظر بگیرند. به عنوان مثال اگر در مدرسه، برای ایجاد یک سلسله عادات

موضوعات مسخلف علمی باید اصول و دستورهای اخلاقی بر اساس شناخت فرد در هر مرحله سنی، به صورت عینی و در قالب اعمال و رفتار ملموس مطرح شود. مثلاً در مراحل پایین سنی استفاده از داستان و مثال و در سالهای بالاتر استفاده از حکایات اخلاقی می تواند مؤثر باشد.

۳- معلمان: معلم یکی از ارکان و عوامل بسیار مهم در تربیت اخلاقی است. معلم در ظاهر نقش آموزش دهنده و یا راهنما و مشاور را به عهده دارد و در باطن و به صورت عمیق نقش عمده ای در رشد شخصیت اخلاقی کودک و نوجوان ایفا می کند که نفوذ معلم در این زمینه می تواند به دو صورت سازندگی و یا انحراف از اصول اخلاقی بروز یابد.

بنابراین انتخاب افراد به عنوان معلم باید به صورت دقیق و حساب شده انجام پذیرد، چراکه جسم و روح فرزندان جامعه بعد از خانواده به معلم سپرده می شود. معلم باید در ابتدا شناخت کافی از مسائل روان شناسی داشته باشد و رغبت ها، خواستها و علائق شاگردان خود را بشناسد و در مرحله بعد، ملزم به اجرای اصول صحیح اخلاقی بوده، رفتارهایش متناسب با اهداف تربیتی باشد.

در مورد تربیت اخلاقی، معلم از دو طریق می تواند عمل کند، یکی از طریق دادن آگاهیها و بینشهای اخلاقی به شاگردان و دیگری از راه ارائه الگوی رفتاری، یعنی با استفاده از نقش الگویی خود در مقابل دانش آموزان. معلم اگر از نظر عاطفی و معنوی در افراد نفوذ کند، گفتار و رفتارش در زمینه های اخلاقی، شکل الگویی برای شاگردان پیدا می کند و می تواند افراد را

۱- انضباط مدارس: نظام انضباطی مدارس بطور غیر مستقیم در تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان تأثیر خواهد داشت. البته انضباط به معنای اجرای مقررات و یا به عبارتی فرمانبرداری دانش آموزان از روی حسن نیت و بطور عاقلانه است وگرنه اگر قوانین انضباطی به صورت اجباری مطرح باشد، حالت اطاعت محض از دستورها در افراد به وجود می آید که در پی تنبیه حاصل می شود.

اگر تنبیه به صورت اخلاقی باشد تأثیرش از تنبیه بدنی بیشتر است. به طور مثال تنبیه اخلاقی طوری است که کودک حس می کند در نزد مربی خود احترام و محبت سابق را دارانیست و این وضعیت از اذیت های بدنی مؤثرتر است.

در هر حال سیستم انضباطی مدرسه باید به گونه ای باشد که افراد قوانین رابه عنوان وظیفه خود و انجام آنچه که تکلیف است رعایت کنند و البته با توجه به پیروی از عقل و منطق و به صورتی که فرد خود را از درون ملزم ببیند و احساس مسؤلیت کند.

در مجموع، در سیستم انضباطی مدارس اگر مربیان و مسؤولان امر با توجه به خصوصیات روانی و مصالح حال و آینده افراد عمل کنند، موفقیت حاصل خواهد شد.

۲- کتابهای درسی: کتابهای درسی در تعیین روش و محتوای تربیت اخلاقی در مدرسه اهمیت دارد. با افزایش و بهبود بخشیدن به محتوای اخلاقی کتابهای درسی می توان به اهداف تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش نزدیک شد.

در کتابهای درسی به غیر از پرداختن به

متحول سازد.

۴- مریبان تربیتی: در واقع اگر تربیت اخلاقی به صورت غیرمستقیم و در قالب برنامه‌های غیررسمی گنجانده شود تأثیر قوی‌تری خواهد داشت، بخصوص اگر به صورت فعالیتهای جمعی باشد؛ برنامه‌هایی که با راهنمایی و هدایت مریبان (متعهد و متخصص) تربیتی صورت می‌پذیرد، ولی دانش‌آموزان خود آنها را انجام می‌دهند.

این فعالیتهای اموری است از قبیل وضع قوانین به وسیلهٔ بچه‌ها، نظارت و قضاوت خود آنان در مورد اجرای قوانین، اجرای نمایشها و انجام بازیهای دسته‌جمعی که در خلال همهٔ این موارد مریبان می‌توانند به طرز تفکر و نوع رفتار دانش‌آموزان جهت صحیح بدهند.

برنامه‌های خارج از مدرسه و برنامه‌های تفریحی و غیردرسی نیز برای پیوند زدن برنامه‌های تربیتی مدرسه با زندگی واقعی و

همچنین تعلیمات اخلاقی لازم بسیار سودمند است. این برنامه‌ها عبارتند از:

- اردوها و گردشهای تفریحی و مذهبی

- سخنرانی افراد متخصص و متعهد در زمینه‌های اخلاقی

- ایجاد کتابخانه‌ها و تسهیلات لازم برای

استفاده از کتابهای مختلف

- نمایش فیلم‌هایی که می‌تواند به نحوی

ارزشهای اخلاقی جامعه را اشاعه دهد.

- بازدید از مراکز بازپروری و بررسی علل و

عوامل زمینه‌های انحراف در جامعه

برنامه‌های تربیت اخلاقی را نمی‌توان در

ساعات خاصی اجرا کرد، بلکه کودک و نوجوان

در هر مکانی باشند تعلیماتی در این زمینه

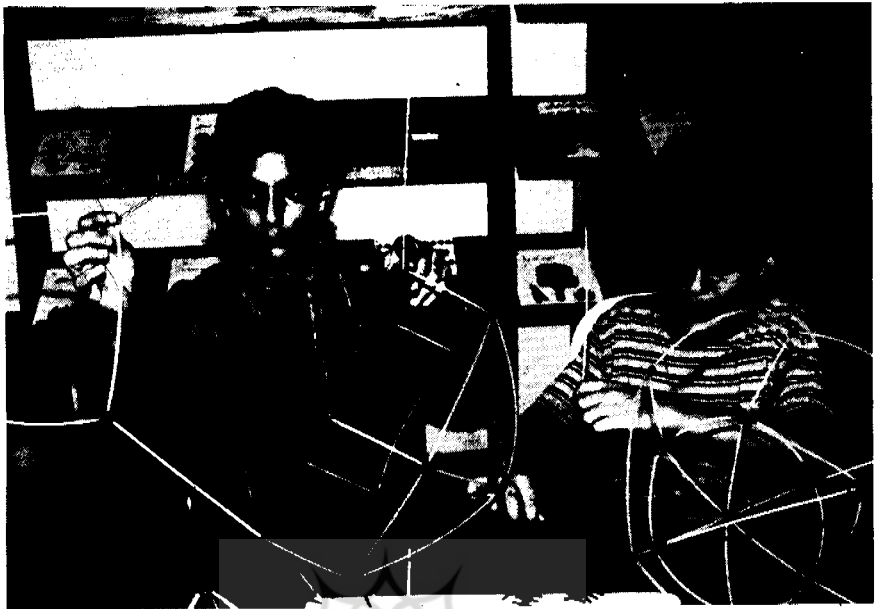
صورت می‌گیرد و در این مورد باید تحولات و

رشد همه جانبهٔ دانش‌آموزان را در نظر گرفت.

تحول اخلاقی در ارتباط بسیار قوی با تحول

عقلانی است.





می‌توان در عین ایجاد حالت لذت‌بخش، نوعی تغذیه و تلطیف روانی را در آنها سبب شد.

- ورزش که نقش مفیدی دارد و چون از انگیزه‌ها و علائق درونی برمی‌خیزد، اگر با برنامه و مراقبت حساب شده اجرا شود، دگرگونی‌های لازم را در رفتار دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

- سرگرمی‌های هنری و فنی که باعث تقویت استعدادها و نهفته در انسان می‌شود و در حقیقت فکر فرد را در جهت مطلوب به کار می‌اندازد و از بروز افکار پلید و اعمال بیهوده در وی جلوگیری می‌کند.

۵- انجمن‌های اولیاء و مربیان: اگر در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان میان مدرسه و خانواده به طور جدی ارتباط برقرار شود، این

مدرسه باید از اوقات فراغت شاگردان استفاده لازم را به عمل آورد. یکی از مسائلی که از انحرافات اخلاقی جلوگیری می‌کند، ایجاد کار و اشتغالات فکری است و همچنین سرگرمی‌هایی که در ضمن آن بتوان به پرورش اخلاقی پرداخت. بدین معنا که برنامه‌های ساعات فراغت از کار موظف روزانه را چنان باید ترتیب داد که هم سازنده باشد و هم بعضی عوامل مزاحم رشد و تکامل را مهار کند و این مسأله تا حد زیادی به عهده مربیان و مسؤولان تربیتی مدرسه است. مشخص‌ترین اشتغالات مطلوب اوقات فراغت عبارتند از:

- عبادت که جنبه مذهبی دارد، تزکیه و سلامت نفس را سبب می‌شود و نوعی رضایت خاطر باطنی و دگرگونی در رفتار و کردار را فراهم می‌آورد.

- مطالعه که با تشویق بچه‌ها به این کار

همه در همان جهت کلی قرار داشته باشند. همان طور که در طی مقاله بیان شد، نظام آموزش و پرورش می‌تواند از طریق اهمیت دادن به ارکان و عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی (کتابهای درسی، معلم، مربی و ...) و نیز اجرای برنامه‌های غیردرسی هماهنگ با اخلاق و مذهب، شرکت دادن دانش‌آموزان در فعالیتهای اجتماعی مدرسه و ایجاد ارتباط با خانواده‌های دانش‌آموزان، ارزشها و ضدا ارزشهای جامعه و بایدها و نبایدهای اخلاقی را به دانش‌آموزان بشناساند.

بنابراین در وهله اول دادن شناخت و آگاهی در این زمینه اهمیت دارد، چراکه تنها عمل از روی شناخت و همراه با دلیل و منطق درانسان "درونی" می‌شود و شخص می‌تواند به کنترل رفتارهای خود در طول زندگی بپردازد.

این بدان معناست که از ابتدا باید از جهت عقلانی توانایی و قدرت قضاوت درست را در افراد ایجاد کنیم، زیرا اگر فرد نتواند به داوری بپردازد، در واقع نتوانسته است از دانش خود استفاده کند.

نکته دیگر توجه به جنبه عاطفی مسأله است که اگر این جنبه در شخصیت فرد شکل گیرد، جنبه قضاوت و داوری نیز بخوبی رشد می‌کند. پرورش فرد در این جنبه بستگی به التزام عملی مربیان و مجریان مدرسه در مورد رعایت ارزشهای اخلاقی و ایجاد رابطه مودت‌آمیز و دوستانه آنان با شاگردان دارد، که موجب نوعی احساس باطنی و تمایل درونی در افراد می‌شود که این خود، در اعمال و رفتار دانش‌آموزان تجلی می‌یابد.

امر می‌تواند منجر به ایجاد هماهنگی در رفتارها، گفتارها و آموزشهای این دو قطب گردد و نتیجه مفید و مؤثری به دست آید. همچنین همکاری خانه و مدرسه باعث مراقبت، پیشگیری و درمان بسیاری از انحرافات اخلاقی است. تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها و تشکیل جلسات بحث و گفت‌وگو به صورت انفرادی و اجتماعی برای آنان و استفاده از وسائل ارتباط جمعی تا حد زیادی می‌تواند در این مورد اثربخش باشد.

نتیجه بحث

با توجه به کلیه مسائلی که در مورد اهمیت تربیت اخلاقی و اجتماعی و عوامل مؤثر در آن بیان شد، باید در هنگام برنامه‌ریزی در این زمینه مواردی را در نظر داشته باشیم:

- ابتدا باید اهداف تربیت اخلاقی مشخص شود و این امر در ارتباط با فلسفه اجتماعی حاکم بر جامعه باشد.

- بر اساس این اهداف و برای رسیدن به مقاصد معین باید برنامه‌ها و روشهای کار و عمل تنظیم و تعیین شود.

- در تنظیم برنامه‌ها به رابطه آنها با اهداف، نیازها و واقعیت‌های زندگی و همچنین امکانات اجرایی آنها باید توجه کافی کرد.

در جامعه ما آنچه که اهمیت دارد حاکمیت یافتن قوانین و دستورهای الهی مکتب اسلام است که مطابق با فطرت انسان می‌باشد و سعادت واقعی جامعه در گرو اجرای این قواعد است. به همین دلیل اهداف باید در مسیر مکتب، و برنامه‌ها، روشها و وسایل کار همه و



سید احمد زرهانی

عزیزالله تاجیک اسماعیلی

مقدمه:

شخصیت کودک و نوجوان متأثر از عوامل متعددی رشد می‌یابد. خانه و مدرسه دو نهاد تربیتی مهم به شمار می‌آیند که در صدر عوامل تأثیرگذار بر روند رشد و تکامل رفتار و منش نوباوگان جامعه قرار دارند.

**نقشهای تربیتی
خانه و مدرسه**

این جواب بسیار خوب و صحیح است، اما کافی نیست. پدران و مادران باید بدانند که چگونه برای تحقق هدف خود بکوشند. به بیان دیگر ما باید هدف مشخصی از تربیت فرزندان داشته باشیم و مهم‌ترین هدف باید رشد و تکامل شخصیتی آنان باشد. سخن از رشد و تکامل شخصیتی به این معنی است که کودک از همان ابتدای تولد استعدادها و خصوصیاتش دارد که راهنمایی و تلاش والدین و مربیان در جهت رشد و تکامل آنهاست.

فرزند انسان دارای استعدادهای ذهنی، روانی، عاطفی و جسمی خدادادی است. وظیفهٔ مربی بارور ساختن این استعدادهاست و هر مربی باید بداند فرزند یا دانش‌آموز او اولاً به عنوان یک انسان دارای چه صفات و کمالاتی است، ثانیاً چه توانایی‌های خاصی دارد و یا با چه محدودیت‌هایی روبروست؟

شناخت مربی نسبت به استعدادهای وجودی مرتبی اولین گام در تعلیم و تربیت است و تلاش برای فعلیت یافتن این استعدادها و در نهایت تکامل آنها باید نخستین و مهم‌ترین هدف فعالیت‌های تربیتی خانه و مدرسه باشد.

پدر و مادر باید برای تعلیم و تربیت فرزندان خود طرح و برنامه داشته باشند.

انسان معاصر با برنامه‌ریزی و تلاش می‌تواند به اهداف خود برسد. خانواده نهادی است که برای دستیابی به هدفهای معینی به وجود می‌آید. یکی از هدفهای مهم این نهاد فرزندآوری و فرزندپروری است. البته فرزندآوری بسیار ساده‌تر از فرزندپروری است و برای آنکه پدر و مادر توفیق پرورش فرزندان

کودک درخانه و در دامان پدر و مادر رشد و نمو می‌کند و از آنان راه و رسم زندگی را می‌آموزد. وقتی رهسپار مدرسه می‌شود، تحت تأثیر رفتار و افکار معلمان و مربیان خود قرار می‌گیرد و در عین حال از همسالان خود اطلاعات زیادی به دست می‌آورد و شخصیت او به تدریج ساخته می‌شود. بنابراین خانه و مدرسه زمانی می‌توانند رسالت آموزشی و تربیتی خاص خود را به نحو مطلوب انجام دهند که هر یک شناخت تربیتی کافی داشته باشند و نقش‌های تربیتی خاص خود را با بصیرت ایفا کنند.

هدف دار بودن فعالیت‌های خانه و

مدرسه

هدف خانه و مدرسه باید رشد و تکامل شخصیتی کودک و نوجوان باشد.

مفهوم خانه و خانواده همیشه با وجود فرزند همراه است و هدف از تشکیل خانواده داشتن فرزند است.

هر پدر و مادری به داشتن فرزند محتاجند و از آن احساس آرامش و رضامندی می‌کنند. لیکن این آرامش و رضامندی وقتی کامل است که در فعالیت‌ها و کوشش‌های محیط خانه در ارتباط با فرزند، هدفی نهفته باشد. اگر از هر پدر و مادری سؤال کنیم که آیا در تلاش‌هایتان برای خانواده و فرزندان هدفی دارید؟ می‌گویند بله، و اگر بپرسیم هدف شما چیست؟ می‌گویند تربیت بچه‌ها و تأمین سعادت و خوشبختی آنان.

رسیدن به این اهداف چه ابزار و روشهایی را باید به کار گیرند، مجموعه این تدابیر، طرح و برنامه‌ای است که از آن به عنوان "منشور تربیتی" می‌توان یاد کرد. هر خانواده باید یک منشور تربیتی داشته باشد و بر وفق موازین آن به پرورش فرزندان اقدام کند. پدر و مادری که به بهانه‌های مختلف به پرورش فرزندان نمی‌اندیشند و از خواندن کتابهای تربیتی یا مراجعه به مشاوران و افراد آگاه و بهره‌گیری از تجارب تربیتی دیگران سرباز می‌زنند، نباید از فرزندانشان انتظار معجزه داشته باشند، چراکه سه اصطلاح کاشت، داشت و برداشت که در کشاورزی به کار می‌رود، در جریان تعلیم و تربیت نیز مصداق دارد.

صالح با آینده‌ای روشن را داشته باشند باید :
- با موازین تعلیم و تربیت اسلامی و علوم تربیتی آشنا شوند.

- حتی‌المقدور از کتابها و مجلات تربیتی استفاده کنند.

- در کلاسهای آموزش خانواده شرکت کنند و شناخت تربیتی به دست آورند.

- از تجربیات مادران و پدران که توانسته‌اند فرزندان شایسته به جامعه تحویل دهند، بهره بگیرند.

وقتی که قرار است والدین اهداف تربیتی مشخصی داشته باشند و بدانند که فرزندان خود را می‌خواهند برای چه امری تربیت کنند و برای



پدر و مادر باید مراقب غذای فکری فرزندان خود باشند.

● هدف خانه و مدرسه باید رشد و تکامل شخصیتی کودک و نوجوان باشد.

● پدر و مادر باید برای تعلیم و تربیت فرزندان خود طرح و برنامه داشته باشند.

● پدر و مادر باید مراقب غذای فکری فرزندان خود باشند.

● مدرسه باید دانش آموز را با جامعه آشنا کند.

تنوع و پیچیدگی در روابط انسانها می شود. فرزندان ما به احتمال قوی در سالهای آینده تحت تأثیر وسائل ارتباطی پیچیده و متنوع، مناسبات گسترده و پیچیده‌ای با همسالان خود و دیگر افراد جامعه برقرار خواهند کرد. یک وظیفه خانواده و مدرسه امروز این است که کودک و نوجوان را در این مناسبات که بدون شک غذای فکری و روحی بسیاری را به آنان خواهد داد، مراقبت و هدایت کنند. فرزندان ما باید با حمایت خانه و مدرسه هم از تأثیرات مخرب و سوء مناسبات و روشهای زیانبار مصون بمانند و هم قدرت و توان آن را به دست آورند که خود در روابط اجتماعی، آنچه را برای سعادت و رشد و کمال آنان مفید است بشناسند و انتخاب کنند.

مدرسه باید دانش آموزان را با جامعه آشنا کند.

جامعه، دانشگاه بزرگی است که می تواند به کودکان و نوجوانان آموزشهای ارزنده‌ای را ارائه کند. مدرسه باید تدابیری اتخاذ کند که

فرزندان ما برای زندگی در قرن بیست و یکم تربیت می شوند. در آن قرن تکنولوژی در مقایسه با امروز پیشرفت چشمگیری دارد. ماهواره‌های مستقر در فضا تصاویر بیشتری در برابر دید مردم قرار می دهند، استفاده از ویدئو و کامپیوتر در خانواده‌های شهری و روستایی بیش از امروز مرسوم خواهد شد و هر روز گروهی تازه به بهره‌برداران این وسائل ارتباطی افزوده می شود.

امروزه تولیدکنندگان کالاهای فرهنگ ابتدال از باب شیطنت و زراندوزی، نوارها و نرم افزارهای خطرناک و عفت براندازی وارد بازار کشورهای جهان سوم، از جمله کشور ما می کنند. از این رو پدران و مادران باید ضمن اجتناب از کاربرد این قبیل کالاهای فرهنگی، فرزندان خود را هوشیار بار آورند و با مال‌اندیشی، آنان را با عواقب وخیم رؤیت صحنه‌های هیجان‌انگیز شهوانی آشنا کنند. اگر پدر یا مادری سیگار بکشد، داستانهای عشقی و خیالی بخواند و نوارهای ویدئویی ناسالم و مسموم مشاهده کند، نمی تواند فرزند را از ارتکاب کارهای مشابه نهی کند، زیرا فرزند از رفتار والدین بیشتر الهام می گیرد تا از گفتار آنان. کامپیوتر و ویدئو دو پدیده آموزشی هستند و خانواده می تواند با مدیریت والدین از آنها بهره‌برداری صحیح داشته باشد. پدر و مادر باید به اندازه کافی نرم افزار و نوارهای مناسب و متنوع در خانه داشته باشند تا نیاز به استفاده از نمونه‌های مفسده‌انگیز باقی نماند. گسترش وسایل و امکانات ارتباطی باعث

دانش آموزان به همراه معلمان و اولیا از مزایای دانشگاه جامعه استفاده علمی و تجربی کنند. برخی از دست‌اندرکاران مدارس بین محیط‌های آموزشی و جامعه دیوارهای ساخته‌اند. این دیوار ذهنی و موهوم باید برداشته شود و مدرسه با امکانات علمی جامعه پیوند یابد. بازار، کارخانه، مسجد، کتابخانه عمومی، اردوگاه تربیتی، مزرعه کشت و صنعت، موزه، سینما، تئاتر و تأسیسات مشابه دیگر از منابع مهم کمک آموزشی به حساب می‌آیند.

مدیر مدرسه باید با هماهنگی این مؤسسات و کمکها و مساعدتهای والدین، برای دانش آموزان گردشهای علمی، بازدیدها و برنامه‌های اردویی تدارک ببیند و آنان را با رعایت احتیاط و ایمنی به این مراکز روانه کند. وقتی که دانش آموزان از یک طرح صنعتی بازدید می‌کنند و در سخنان راهنما و کارشناس دقیق می‌شوند، در واقع به نوعی آموزش می‌بینند، آموزشی مؤثر و الهام‌بخش. آشنا کردن دانش آموزان با طرحها و برنامه‌های جامعه چند فایده مهم در تعلیم و تربیت آنان دارد:

اول اینکه آنان در خارج از مدرسه و در هنگام مواجه شدن با یک طرح و برنامه فرهنگی و یا اقتصادی بهتر می‌توانند خویش را به معلمان عرضه کنند و تواناییها و شایستگی‌های خود را به نمایش بگذارند.

دوم اینکه دانش آموزان در محیط خارج از مدرسه فرصت می‌یابند تا به معلمان نزدیکتر شوند. لذا مریبان موقعیت خوبی به دست می‌آورند تا بچه‌ها را بهتر بشناسند و در جهت تعدیل رفتار و رشد آنان چاره‌اندیشی کنند.

سوم اینکه بازدیدهای علمی، دنیای ذهنی



کودکان و نوجوانان را توسعه می‌بخشد، آنان را با مظاهر زندگی اجتماعی آشنا می‌کند و تعلق خاطر آنان را به آینده پایدارتر می‌سازد.

چهارم اینکه معلمان و راهنمایان تحصیلی می‌توانند با مشاهده رفتارها و واکنشهای دانش آموزان در حین بازدیدهای علمی تا حدود زیادی به گرایش‌های شغلی آنان پی ببرند و از یافته‌های خود برای هدایت تحصیلی آنان استفاده کنند.

برای تحقق این اهداف، مدارس باید برنامه‌ریزی کنند و خانواده‌ها موظفند از طریق انجمن‌های اولیاء و مریبان هرگونه امکانات و کمکهای مورد نیاز مدارس را برای بازدیدها و آشنایی فرزندانشان با بخش‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی جامعه در اختیار مدارس قرار دهند و با آنان همکاری کنند.

انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

واحد انتشارات
"نشریه پیوند"

پیوندمان را با "نشریه پیوند" بیشتر کنیم.

پیوند حاصل دیدگاههای تربیتی جمعی از استادان و صاحب نظران تعلیم و تربیت و مربیان مجرب کشور است.
پیوند با بهره گیری از تعالیم عالیّه مکتب اسلام، حاوی مهمترین مباحث آموزشی، روشهای تربیتی و یافته های روان شناسی و علوم تربیتی است.
برای اینکه همراه پیوند تقدیم حضورتان شود، لطفاً فرم اشتراک زیر را تکمیل کنید و به دفتر نشریه پیوند ارسال فرمایید.

فرم اشتراک مجله آموزشی - تربیتی پیوند



انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

شغل:

میزان تحصیلات:

نام و نام خانوادگی:

لطفاً نشانی خود را به طور کامل و بدون غلط با ذکر شماره ۱لاک و کدپستی مرقوم دارید.

استان: _____ شهر: _____ خیابان: _____
کدپستی: _____ تلفن: _____ آیا قبلاً مشترک بوده اید؟ _____
به چه نام و نشانی: _____ شماره اشتراک: _____

لطفاً مبلغ ۶۵۰۰ ریال برای اشتراک یک ساله، به حساب جاری شماره ۸۰۴ بانک صادرات، شعبه ۱۰۴۳ خیابان فلسطین، واریز فرمایید واصل فیش را همراه با این برگ به نشانی تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، نبش سزاوار، شماره ۷۴، دفتر نشریه پیوند و یا صندوق پستی ۱۶۳۷ - ۱۳۱۸۵ ارسال کنید.

تلفن دفتر مجله: ۶۴۰۷۱۱۶ - ۶۴۶۸۷۷۰

* در صورت تغییر نشانی، سریعاً دفتر مجله را مطلع فرمایید.

* لطفاً فتوکپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک یک ساله نزد خود نگاه دارید.



زینبسه دکتر افروز



مشاوران پیوند پاسخ می دهند

تذکر مهم:

برای این که مشاوران پیوند توفیق بیشتری داشته باشند تا به سؤالات شما در زمینه مشکلات تربیتی و آموزشی پاسخ دهند خواهشمند است مسائل مورد نظر خود را به صورت مختصر و در عین حال کاملاً روشن بنویسید. زمانی که در مورد فرزندتان مسأله‌ای را مطرح می‌کنید، حتماً مشخصات کامل وی را شرح دهید. لازم به یادآوری است طرح مسائلی که عمومیت داشته، از اهمیت بیشتری برخوردار باشند، در اولویت خواهد بود. بدیهی است که پاسخهای ارائه شده هرگز نمی‌تواند کامل و جامع باشد، بنابراین در صورت لزوم باید در زمینه حل یک مشکل مطالعه و مشاوره بیشتر و همه جانبه‌تری انجام شود.

خانم م - کریمی از تهران :

برود. من وهمسرم برای اقدام به این کار هم لازم می دانیم از نظریات مشورتی شما بهره مند گردیم. لذا استدعا داریم ما را راهنمایی بفرمایید.

خواهر محترم خانم م - کریمی

سلام علیکم. متقابلاً سلامت و موفقیت شما و خانواده محترمتان را از خداوند متعال مسألت می نماید و از حسن نظر سرکار نسبت به مجله پیوند و دست اندرکاران آن سپاسگزار بوده، از این که بتوانیم در خدمت اولیاء و مربیان متعهد، زحمتکش و دلسوز جامعه اسلامی باشیم خدای را شاکریم.

خواهر محترم، واقع امر این است که مسأله شما یکی از مسائل بسیار مهمی است که همه ساله درصد قابل توجهی از خانواده ها با آن مواجه هستند. لذا ضروری است که توجه شما و خوانندگان ارجمند پیوند را در این ارتباط به چند نکته بسیار اساسی جلب کنیم.

به هنگام تولد کودک شایسته است همان گونه که شما نیز انجام داده اید، هیچ گونه دخل و تصرفی در تاریخ تولد و صدور شناسنامه وی انجام نپذیرد. به عبارت دیگر نباید آغاز زندگی کودک را بر پایه ای از تاریخ تولد ناصحیح بنا نهاد، ولو اینکه یکی دو روز بیشتر نباشد.

هدف از آموزش و پرورش در یک جامعه سرآمد، تربیت و پرورش کودکان و نوجوانانی است که ضمن برخورداری از سلامت جسم و بهداشت روان و متصف شدن به فضیلت های اخلاقی و ارزشهای والای اسلامی بتوانند استعدادهای بالقوه خود را به فعل برسانند و با قدرت خلاقیت، ابتکار و نوآوری، سرخ علوم

با تقدیم سلام به مسؤلان محترم مجله وزین پیوند و آرزوی سلامت و توفیقات فراوان برای همه کسانی که در انتشار این مجله خوب خانواده ها تلاش می کنند، خواهشمندم قبول زحمت فرموده، ما را در مورد مسأله ای که با آن مواجه می باشیم راهنمایی فرمایید. پیشاپیش از لطف و محبت شما ممنون و سپاسگزار هستیم. من وهمسرم هر دو لیسانسیه و کارمند هستیم و دارای دو فرزند پسر ۲ ساله و ۶ ساله می باشیم. هر دو فرزند ما از نظر هوشی در وضعیت بسیار خوبی هستند. پسر بزرگتر ما متولد ۱۵ مهر ۱۳۶۸ است و به خاطر این که از نظر سنی ۱۵ روز کم دارد، مدارس ابتدایی از ثبت نام وی معذورند و ماهم در بی این نبوده ایم که شناسنامه فرزندمان را تغییر دهیم و در زمان تولد هم چنین نیتی نداشتیم. حالا چون از نظر قد، وزن و هوش در وضعیت خوبی قرار دارد و دوسالی هم به کلاسهای آمادگی رفته است بسیار مایل بودیم که در کلاس اول دبستان رسماً مشغول شود، اما این کار از نظر قانونی امکان پذیر نبود و در نهایت بعضی از دوستان و اولیای مدرسه این راه حل را پیشنهاد کرده اند که فرزند ما امسال بطور مستمع آزاد در کلاس اول حضور یابد و سال آینده بطور رسمی در کلاس اول ثبت نام نماید، اما در کلاس دوم بنشیند و در خرداد ماه سال آینده امتحان کلاس اول را بدهد و در شهریورماه نیز در امتحان کلاس دوم شرکت کند. در این صورت مشکل وی حل می شود و ما دیگر نگران عقب ماندگی تحصیلی او نخواهیم بود. بخصوص اینکه خیلی مشتاق و بی قرار است که امسال حتماً به مدرسه

کسانی است که با سطح هوشی مشابه در سن طبیعی یا کمی دیرتر مدرسه را شروع کرده‌اند. به عبارت دیگر رابطه معناداری بین سن ورود به مدرسه و پیشرفت تحصیلی وجود دارد.

بنا بر این توصیه مؤکد ما این است که فرزند باهوش شما برای اینکه بیشتر مستعد شکوفایی و خلاقیت باشد، سال آینده به مدرسه برود و ضرورتی برای آغاز پیش‌درس مدرسه و جهش تحصیلی ناپخته ندارد. در بسیاری از موارد شروع زودرس مدرسه و جهش‌های تحصیلی، به ویژه جهش‌های چندگام، با بهداشت روانی و خلاقیت ذهنی بچه‌ها منافات دارد.

موفق و مؤید باشید.

وفنون و تکنولوژی برتر را به دست گیرند.

نکته قابل توجه دیگر این است که تحقیقات انجام شده و تجارب آموزشی به دست آمده بیانگر این حقیقت است که آن دسته از کودکانی که زودتر از گروه مشابه خود وارد مدرسه می‌شوند، یعنی پیش‌افتادگی تحصیلی دارند، در درازمدت و در سالهای دبیرستان درمقایسه با همکلاسیهای باهوش و موفق خود با اختلال تحصیلی بیشتری مواجه می‌شوند.

به سخن دیگر اختلال در یادگیری و افت نسبی تحصیلی در بین دانش‌آموزانی که زودتر از سن مقرر وارد مدرسه می‌شوند (ولو اینکه بهره هوشی فوق‌العاده‌ای داشته باشند) بیش از

بقیه از صفحه ۵۷

تربیت، ترجمه سید مهدی سجادی، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰.

۵- سازگار، پروین، تأثیر جامعه در پرورش و آموزش، پایان نامه فوق لیسانس رشته علوم تربیتی، ۱۳۴۹.

۶- صبور اردوبادی، احمد، زیر بنای تربیتی و اخلاقی انسان، انتشارات شناخت اسلام.

۷- عسکریان، مصطفی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات توس، ۱۳۶۸.

۸- کانت، امانوئل، تعلیم و تربیت، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۹- معیری، محمد طاهر، مسائل آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

۱۰- علامه نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلامی (گزیده جامع السعادات)، ترجمه سید جلال الدین مجتوبی، انتشارات حکمت، ۱۳۶۷.

مشخص است که بعد از تعیین اهداف، برنامه‌ها و روش کار، افرادی باید به کار گرفته شوند که رفتارشان جو سالم اخلاقی را در محیط مدرسه ایجاد کند و در این صورت است که برنامه تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش به موفقیت نزدیک خواهد شد.

منابع و مأخذ:

۱- نهج الفصاحه

۲- پیازه، ژان، تربیت به کجا ره می سپرد؟، ترجمه دکتر منصور و دکتر دادستان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۳- دورکیم، امیل، تعلیم و تربیت، تهران، بنگاه مطبوعاتی فرخی.

۴- دیوئی، جان، اصول اخلاقی در تعلیم و